

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش نشست علمی مجازی - معاونت فرهنگی و اجتماعی

"به مناسبت میلاد حضرت مسیح(ع) و سال جدید میلادی"

موضوع نشست:

وضعیت مسیحیت در جهان معاصر

سخنران: دکتر احمد رضا مفتاح

رئیس دانشکده ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب

مدیر علمی نشست: دکتر علی زنگویی معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه

زمان: چهارشنبه ۸ دی ماه ۱۴۰۰ - ساعت ۱۹

آدرس لینک:

Ac5.birjand.ac.ir/farhangimeeting

تعداد: ۹۳ نفر

گزارش مفصل:

عصر روز چهارشنبه ۸ دی ماه ساعت ۱۹ جلسه نشست علمی مجازی توسط معاونت فرهنگی و اجتماعی به مناسبت میلاد حضرت مسیح و سال جدید میلادی با موضوع وضعیت مسیحیت در جهان معاصر با سخنرانی دکتر احمد رضا مفتاح برگزار شد.

ابتدای جلسه آقای دکتر علی زنگویی معاونت فرهنگی و اجتماعی با تفسیر کوتاهی در خصوص آیات تلاوت شده از سوره حضرت مریم به بیان سه تفاوت موجود بین مسیحیت واقعی و مسیحیت زمان پیامبر (ص) که مانند مسیحیت امروزی است، پرداخت.

۱- حضرت عیسی در هنگام نوزادی و معجزه سخن گفتن، فرمودند من بنده خدا هستم، در صورتی که مسیحیان قدیم و جدید حضرت را پسر خدا می دانند و تجسم خدا در روی زمین می دانند.

۲- کتاب اصلی حضرت عیسی انجیل بود در حالی که در طی صد سال بعد انجیل های اربعه نگاشته شد که با هم و با انجیل اصلی تفاوت دارد.

۳- حضرت عیسی فرمود من فقط پیامبر خدا هستم و پیام خدا را برای شما آورده ام. ما در روایات زمان ظهور داریم که مسیحیان از گروندگان به اسلام هستند. مسیحیت واقعی در مسیر تعالی و یکی شدن با دیگر ادیان خواهد بود.

در ادامه دکتر مفتاح دو مقدمه با موضوعات ۱- ۲۵ دسامبر و تولد حضرت عیسی ۲- لزوم پرداختن به بحث مسیحیت، را بیان داشتند.

۲۵ دسامبر از طرف مسیحیان غرب یعنی کاتولیک و پروتستان به عنوان میلاد حضرت مسیح اعلام گردیده است و این در حالی است که مسیحیان شرق از جمله ارمنه و آشوریان ایران ۶ یا ۷ ژانویه را به عنوان روز تولد حضرت مسیح می دانند. تقویم میلادی بر اساس میلاد حضرت عیسی است البته با تأخیر که در قرن ۴ میلادی صورت گرفته و تاریخ ها بر هم منطبق نیست مثلاً ۴ دی میلاد حضرت مسیح است و ۱۱ دی آغاز سال نو میلادی و روز عید پاک که از اعیاد مهم مسیحیان است و به لحاظ مذهبی از کریسمس بالاتر است و روزی است که حضرت عیسی زنده شده و به آسمان رفتند روز رستاخیز حضرت عیسی است.

کریسمس بیشتر جنبه عرفی یافته و مختص مسیحیان نیست بلکه در غرب شامل وضع قوانین و تعطیلاتی شده است و این ایام جشن بر پا می شود و شمع عرفی و مردمی است.

۲۵ دسامبر ارتباط با میترائیسم (آیین خورشید) و شب یلدا پیدا می کند که ممکن است مورد قبول همه مسیحیان نباشد. آیین مهر که به روم باستان هم کشیده شده است با جشن های با شکوه گرامی داشته می شود و سران کلیسا مسیحیان را در ابتدا از شرکت در جشن به دلیل احتمال وجود شرک و کفر (پرستش خورشید) منع می کردند اما بعدها این عرف بدون خدشه به اعتقادات آزاد بود. به مرور زمان این روز را تولد حضرت عیسی اعلام کردند شاید با این تعبیر که مسئله تولد جایگزین جشن شرک آمیز شود و باورهای مسیحیان با موضوع مهر پرستی تحت الشعاع قرار نگیرد.

مسیحیت از دل دین یهود بیرون آمد با وجود این که شریعت در یهود قوی بود مسیحیت دارای شریعت قوی نبود (احکام کم رنگ شدند و دینداری کم رنگ تر) و برای اختصاصی شدن آن به جای روز شنبه که روز تعطیل یهودیان است روز یک شنبه روز عبادت و تعطیل مسیحیان در نظر گرفته شد که با به جا آوردن مراسم عشای ربانی مورد بخشش خداوند و در زمره ی مسیحیان قرار می گرفتند. مسیحیان ایران به لحاظ طبقه بندی، شرقی شناخته می شوند به دلیل امپراطوری های قدیم اما از نظر تقسیم بندی در گروه اتدوکس شامل آشوری و ارمنه هستند.

مقدمه دوم این که چه لزومی دارد که به بحث مسیحیت بپردازیم؟

آشنا بودن اجمالی با دیگر ادیان باعث آگاهی و ارتقاء در اعتقادات است. اسلام و مسیحیت و یهودیت، سه برادر هستند که وجوه مشترک زیادی دارند صرف نظر از وجود موارد مختلف که محفوظ است، قرآن در سه وجه تصدیق، احاطه و نقد با ادیان در ارتباط است. مشکل این است که با تثلیث می خواهند مسئله یگانه پرستی را حل کنند. علاوه بر مشترکات زیادی که وجود دارد می توان از فرازو نشیب هایی که مسیحیت در طول تاریخ داشته عبرت آموخت. اوج اقتدار کلیساها قبل از رنسانس و روشنگری و مواجهه آن را مسائل مختلف و چگونگی عملکردها و این که چه زمان افراط و تفریط به وجود می آمده و دلیل آن و نحوه بر طرف کردن آن چه بود؟ و این که افراط و تفریطها در بین مسلمانان نیز وجود دارد و در احادیث فراوان و از جمله حکمت ۶۹ نهج البلاغه است که "نادان را نمی بینی مگر این که در حال افراط است یا تفریط" در مورد مسیحیت این امر باعث به وجود آمدن جنگ های فراوان (۳۰ سال بین کاتولیک و پروتستان) از جمله جنگ های صلیبی شده است. که بعد آن و تا به امروز شاهد جریانات سکولاریسم یعنی بی اعتنایی به دین (باورها و اخلاقیات) بودیم و هستیم و شاید برای بقیه ادیان هم این گونه باشد.

تفتیش عقاید و استفاده از احکام تکفیر و ترد کردن افراد بود که اکنون همه اینها کم رنگ شده و تاریخ این ماجراها را در بر دارد و جریان های الهیاتی زیادی داریم که با این چالش ها مواجه هستند. الهیات مسیحی پر حجم و قابل توجه است که گاهی فیلسوفانه گاهی لیبرال (آزادخواه) بوده و اینها در چهارچوب دین نگجید اما به وجود آورنده فراز و نشیب فراوان بود.

آشنایی به قصد تعامل شاید باشد یا جنبه تقابل در جاهایی که احساس خطر کنیم.

در جهان معاصر، وضعیت مسیحیت از لحاظ آمار در رتبه اول است جمعیت بیش از ۷ میلیارد جهان که ۳۲ تا ۳۳ درصد مردم را مسیحیان تشکیل می دهند (حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر) و مسلمانان در رتبه دوم هستند حدود ۲۳ درصد جمعیت جهان و در دسته سوم سکالار و کسانی که به هیچ مذهبی معتقد نیستند و البته هندئیسم و بودیسم هم در این بین وجود دارند.

کشورهای اروپایی بیشتر مسیحی هستند در بخش غربی مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، هلند و ایتالیا و در قسمت های شرقی تمرکز کمتری وجود دارد. مهد مسیحیت فلسطین است که حضرت عیسی در اورشلیم اعلان رسالت کردند و گسترش یافت به کلیسای انطاکیه در روم و قسطنطنیه در ترکیه و قبطی در مصر اینها اولین کلیساهای بزرگ جهان بودند که در قرن چهارم رسمی

اعلام شدند. در قرن هشتم که کلیسا و دولت شارلمانی دست در دست هم دادند گسترش مسیحیت شتاب پیدا کرد و در کشورهای امروزی اروپایی فراگیر شد و بعد از آن مبشران مسیحی در کشورهای استثماری گاهی به زور و گاهی با ارتباط پیدا کردن کلیساها با حاکمان مناطق مردم را مسیحی می کردند. در آمریکا کوچ مسیحیان باعث گستری و به وجود آمدن فرقه های جدید شد (۴۰۰ فرقه مسیحی در جهان) که مهد اصلی تکثیر آنان ابتدا انگلستان بعد آمریکا بوده است.

بعد از تصرف عثمانی ها در ترکیه یا قسطنطنیه، مقرر مسیحیان شرق از ترکیه به مسکو و روسیه رفت بنابر این مسیحیان روسیه شرقی هستند. در هزاره دوم در قرون وسطی مسیحیت آفریقا شکل گرفت حتی در بخش هایی که مسلمان زیاد بود نفوذ مسیحیت صورت گرفت. در نهایت از اهداف مسیحیان این است که آسیا را در تصرف این مذهب داشته باشند.

به اعتبار این که دین و قومیت ها در ریشه ها به هم گروه خورده در ایران اصطکاک با مسیحیان نداریم. آشوریان و ارامنه چون اهل تبلیغات تبشیری نیستند حقوق آنان به رسمیت شناخته شده و اعمال آنان قانونی شمرده می شود. تبشیر است که باعث تضعیف اسلام می شود. مسیحیت گاهی قدرت را در دست داشته به صورت شدید مثل جنگ های صلیبی که در کنار آن کلیساها حجیت برای خود قائل شدند و خود را نماینده خدا بر روی زمین دانستند و یک مسائلی بود که منجر به رنسانس و بازگشت به عصر روشنگری شد. قرن ۱۷ و ۱۸ آغاز دوره مدرنیته که بعد از آن چالش های کلیساها به نقطه اوج می رسد و دین مسیحیت بخصوص کلیسای کاتولیک دچار مشکل می شود در حالی که قرن ۱۱ امپراطور به دست پاپ تاجگذاری می کرد.

در پی تغییرات زمانی، مسیحیت که در قرون وسطی به گونه ای بود که مردم باور داشتند هر چه کلیسا می گوید حقیقت است، دچار اومانسیم شدند و با ترجمه انجیل به زبان ولگای یونانی کم کم ترک هایی در اقتدار مسیحیت پیش آمد از جمله چرا انحصار در دست کلیسا باشد؟ هنگامی که مقرر پاپ از روم به فرانسه انتقال یافت و فرانسه یکی از مهد های کاتولیک شد به مصداق جمله "من خودم تشخیص می دهم" و با وجود سلسله مراتب های کلیسا های کاتولیک و سخت گیری های زیاد و عملکرد بد کلیساها مردم به تنگ آمده و انقلاب فرانسه روی داد و جمهوری خواهی در مقابل سلطنت طلبی که دست در دست کلیسا بود رخ داد و ملی گریان جایگزین کلیسا شدند و مردم پرچم کشور را محبوبتر از صلیب کلیسا می دانستند و این تأثیرات باعث شد که امروزه گرچه مسیحیان آمار بالایی دارند اما مثل مسلمانان دیندار نیستند و ظهور و بروز دین در آنان کمتر است. ایتالیا، فرانسه، آمریکای لاتین، ایرلند بیشتر کاتولیک هستند و آلمان پروتستان است.

امروزه شاید افرادی اعلام کنند که دیگر مسیحی نیستند یا اصل مسیح را قبول دارند اما اعمال کلیسا را نمی پذیرند و گروهی کلا از کلیسا و افکار مسیحیت دور می شوند

اما رهبانیت که از قرن ۴ به وجود آمد از یک سو در نتیجه زهد ورزی بود و از سویی نتیجه رفتن کلیسا به سمت تجمل گرایی بود. افراد کم کم به صورت فردی رهبانیت را پیشه می کردند و بعد تعداد صومعه ها و دیرها شکل گرفت. فردی به نام "بندیک" اولین شخص پیشرو در رهبانیت بود (پاپ قبلی بندیک ۱۶ بود) اما اکنون فرانسوی سرسلسله است که به زهد و جریان عرفانی گرایش دارند.

در مسیحیت طلاق جایز نیست و افراد حکم تکفیر می خورند و ترد می شوند و حق ورود به کلیسا و شرکت در عشاء ربانی را ندارند (که به یادبود شام آخر است) یعنی نجات شامل حال این افراد نمی شود. اما اکنون با وجود جمعیت مسیحیت در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اروپایی دین رسمی مسیحیت نیست و در قوانین مدنی مواردی مثل طلاق، سقط جنین، هم جنسگرایی و لواط گنجانده شده است.

چالش های زیادی در دینداری وجود دارد که باعث شده نودینی و جریانات شیطان گرایی و دیگر جریانات و ادیان جدید پیش آید در کنار اینها الحاد و فرق آن با الحاد کلاسیک (مثل راسل که گفت متقاعد به وجود خدا نیست) اما الحاد جدید بر اساس عملکرد بد دینداران پیش آمده که نه تنها متقاعد نیستند بلکه انگیزه مبارزه با تفکرات دینی دارند که البته این جریانات نیاز به این دارد که پیروان ادیان الهی در کنار هم قرار گیرند.

سوال این که ارتباط ما مسلمانان با مسیحیان چگونه است؟ چه برخوردی لازم است؟ مواجهه یا تعامل؟

در طول تاریخ بین مسیحیان و مسلمانان رویکرد ترد و انکار و جدل وجود داشته است و نسبت های ناروایی داده شده اما اکنون مسیحیت از خشونت دور شده و جریان پارادکس و بحث تعامل و گفتگو مطرح است . می توانیم حرف همدیگر را قبول نکنیم و انحصار گرا باشیم اما از تجربیات و ظرفیت های هم در مواجهه با چالش ها و الحادها و نودینی ها استفاده کنیم و با حداقل در تحقق یک زندگی مصالحت آمیز و صلح جهانی با هم مشارکت کنیم.

سوال آقای دکتر زنگویی: آیا مسئله تبشیر در کشور ما الان وجود دارد؟

جواب: مسیحیت تبشیری نوشته دکتر مفتاح به سفارس نهاد رهبری برای مسیحیان خارج کشور نوشته شد در این خصوص است و درست است که آزادی برای اعمال دارند اما تبشیر منجر به تضعیف باورهای دینی می شود و در ایران اجازه تبشیر ندارند. مسئله کلیسای خانگی وجود دارد و از نظر علمی برای این موضوع برنامه ریزی شده است خانه ها تیمی هست و محافل ارتباط با هم و بحث ها و شاید حتی گاهی قرآن پل ارتباطی باشد علاوه بر این ها ماهواره ها و دنیای مجازی که در این زمینه کار می کنند.

مطالبی در خصوص تبشیر سیاست های کلان فرهنگی مطرح شد و تعدادی از نمونه های آن بیان شد از جمله پناهندگی و بورسیه ها ذکر شد که البته شاید خیلی موفق به مسیحی کردن مردم نشوند اما حجم شبهاتی که مطرح می کنند حداقل دین را ضعیف می کند. که لازم است در جلسه دیگری پیرامون مسئله تبشیر بحث شود.

همچنین در پایان این بحث به سوال آقای مصطفی احمدی پیرامون طرح اراسمس کراس و سردم دار مکتب اومانیسیم که در مقابل مسیحیت قرار گرفته پاسخ داده شد.

و سوال آقای دکتر اطمینان پیرامون تبشیر جمهوری اسلامی در کشورهای دیگر و هم چنین ظهور و بروز ادیان و کنار رفتن دین و وضعیت کشور ما نیز پاسخ داده شد.

در پایان با تأکید بر هوشیاری بیشتر و عبرت گرفتن از تاریخ و آگاهی افزایی بحث خاتمه یافت.